

تردیدهای خوش ظاهر

بیشترین سؤال‌های جوانان و نوجوان‌های جامعه ما درباره چه موضوعاتی است؟ آیا تا به حال پرتعدادترین سؤال‌ها و شبهات جامعه را کنار هم چیده‌ایم تا با نگاهی نو به اوج‌گیری جدول سؤال‌ها دقت کنیم؟ آیا به این نکته توجه کرده‌ایم که میزان سؤال، میزان درگیری و دست‌کم میزان نیاز به مسئله‌ای را در جامعه می‌رساند؟



رابطه جریان‌های معنوی نوظهور با شبهات دینی تردیدهای خوش ظاهر

علی قهرمانی: بیشترین سؤال‌های جوانان و نوجوان‌های جامعه ما درباره چه موضوعاتی است؟ آیا تا به حال پرتعدادترین سؤال‌ها و شبهات جامعه را کنار هم چیده‌ایم تا با نگاهی نو به اوج‌گیری جدول سؤال‌ها دقت کنیم؟ آیا به این نکته توجه کرده‌ایم که میزان سؤال، میزان درگیری و دست‌کم میزان نیاز به مسئله‌ای را در جامعه می‌رساند؟

همیشه با سؤال‌هایی نو در جامعه مواجه هستیم که هرازچندگاهی از دکان عطاری یکی از جریان‌های انحرافی سر برمی‌آورند و ما آنها را در طاقچه ذهن و دل پرازشور دانایی جوانانمان می‌یابیم. نکته‌ای که باید دقت شود نوع مقابله با این جریان‌ها، مدیریت صحیح و جهت‌دهی هوشمند نیازهای جامعه و به دست‌گیری نبض جریان شبهه در کشور است. کشوری که نخبگان فرهنگی آن نتوانند مدیریت کارآمد و صحیحی نسبت به رابطه میان میزان، شکل و نوع شبهات با پاسخ‌های دین و آموزه‌های دینی برقرار کنند درواقع از نظر فرهنگی مرده به حساب می‌آید و ریزه‌خوار فرهنگ‌های مهاجم در بقای فرهنگی جدید خود خواهد بود. پویایی فرهنگی یعنی پی‌ریزی نظام فرهنگی کارآمد، منسجم و پویا براساس و بر پایه شالوده باورهای دینی جامعه. شکل معکوس و نامتقارن این روند را استحاله فرهنگی می‌نامند. استحاله معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که نظام دینی- فرهنگی حاکم در جامعه هدف نتواند در برابر شبهات موجود تاب بیاورد و مردم در رفع نیازهای خود، مرز و حصار دین را بشکنند و با عبور از خط قرمزهای دین در عمل، فرادینی رفتار کنند.

یادمان باشد آخرین و بدترین شکلی که قبل از کنار نهادن کلی دین در جامعه‌ای که دچار استحاله فرهنگی و دگرگونی ارزش‌ها شده، رواج می‌یابد؛ محدود شدن دین در میان دینداران به ساحت خاصی است که کارآمدی دین را از پاسخگویی به نیازها در نظام فردی- اجتماعی جامعه و در نتیجه از حضور مؤثر در معادلات اجتماعی مختل کند. مباحث ارتباط دختر و پسر، نیاز به جنس مخالف و برقراری رابطه عاطفی با غیرهمجنس از سؤال‌هایی است که فراوانی بسیاری را در میان سؤال‌ات مربوط به فضای دین به‌خود اختصاص داده. سؤال‌های مربوط به حضرت بقیه‌الله (عج)، مبحث انتظار و وظایف منتظر، مسائل پیرامون جن و موجودات متافیزیکی، ارتباط با خدا، موسیقی، لذت و مصادیق و مسائل مربوط به مفهوم لذت، شادی، راهکارهای موفقیت و... اینها از سؤال‌هایی است که بیش از همه در سنین جوانی و نوجوانی برای فرزندان جامعه ما پیش می‌آید و خلأ پاسخ صحیح، علمی و اقناعی به‌شدت احساس می‌شود. مبحث حاضر در پی پاسخگویی به این شبهات نیست. نکته‌ای که در این مقال به آن خواهیم پرداخت شکل مقابله با این نوع شبهات و ریشه‌کن کردن مبانی شبهه است.

1 - فراوانی شبهات

مباحث لذت‌طلبی، عشق، آرامش و شادی از موضوعاتی هستند که بیشترین سؤال‌ها را در میان موضوعاتی که ذهن و دل جوانان و نوجوانان را به‌خود مشغول کرده‌اند، به‌خود اختصاص می‌دهند. گرچه هر کدام از این موضوعات در جایگاه خود خوب و مطلوبند، اما آنچه در فضای امروز جامعه شاهد آن هستیم در نقطه مقابل آن چیزی است که آموزه‌های اسلام و فطرت سلیم آدمی می‌طلبد و عقل از جامعه سالم انتظار دارد. فراوانی بسیار زیاد سؤال‌های مربوط به این موضوعات نشان از فعالیت‌های هوشمند و هدفداری است که این نیازهای فطری و غریزی را برجسته ساخته و آنها را به‌عنوان اصلی‌ترین نیازهای آدمی معرفی می‌کنند. با یک مرور ساده بر آموزه‌هایی که همه روزه در قالب‌های مختلف و از طریق جریان‌های نوظهور عرفانی به بازار شبهات سرازیر می‌شود موارد پیش رو را که اساس این آموزه‌هاست و مواد مشترک میان اغلب آنان، در لابه‌لای متون مختلف آموزشی این جریان‌ها خواهیم یافت.

- 1 - نسبی‌گرایی ارزش‌ها و در نهایت نفی اخلاق جزم‌گرا
- 2 - الهیات انحرافی، خدای درون، خدای شخصی و من مقدس
- 3 - لذت‌گرایی افراطی (تبدیل شدن لذت به هدف غایی)
- 4 - تساهل و تسامح، اباحی‌گری در مقام عمل و در باورهای بنیادین
- 5 - عبور از خط قرمز ارزش‌های اخلاقی، دامن زدن به مسائل جنسی
- 6 - تناسخ باوری و اعتقاد به «کار ما» به جای ایمان به معاد
- 7 - قدرت‌طلبی و کسب قدرت‌های فوق‌العاده به جای عبادت و بندگی
- 8 - تفکر گریزی و تسلیم محض بودن در برابر بزرگ فرقه و مکتب فکری
- 9 - تنزل حالات عرفانی و معنوی به هیجانات کاذب و دم‌دستی (عشق، آرامش، شادی و...)
- 10 - تبلیغ تکثرگرایی (پلورالیسم) در برابر راه مستقیم هدایت
- 11 - انکار غیرمستقیم و مقابله فرسایشی با ارزش‌های دینی

تفکرگریزی، دین ستیزی، خودبرتربینی، دوگانگی ارزش‌ها، شکاف میان نسل‌ها و قشرهای گوناگون اجتماعی و... به‌عنوان دستاوردهای ادامه فرایند حضور این معنویت‌های پوشالی در جامعه خواهد بود. ادامه روند شکاف ارزش‌های اجتماعی که به گسل اجتماعی و در نهایت به گسست میان مردم با مردم خواهد انجامید آخرین ضربه‌ای خواهد بود که در جنگ نرم و ایدئولوژیک بر پیکره جامعه‌ای وارد خواهد آمد. گرچه دشمنان خواب این مرحله را هم نخواهند دید، لیکن بی‌توجهی به عواقب وخیم حضور فعال این موریانه‌های جونده معنویت و اخلاق کار را به آن‌سو خواهد کشاند. گسست نهایی که میان مردم یک جامعه با یکدیگر خواهد بود تنها از طریق دو یا چندگانه کردن ارزش‌ها و اصول نگرش و باورهای افراد یک جامعه ممکن است و این چیزی است که این جریان‌ها به آن دامن می‌زنند.

2 - روش پلکانی ایجاد شبهه و حذف ارزش‌های دینی

راه ورود و نحوه نفوذ این جریان‌ها در میان اقشار جوان و مخاطبینی که در سنین هیجانی هستند بسیار راحت و با تکیه بر نیازهای فطری و غریزی ایشان اما بدون بیان محدودیت و قرار دادن حد و مرزی است. برای شاهد مثال مقوله شادی را از میان آموزه‌های پوچ عرفان‌های بدلی مرور می‌کنیم.

گام اول، تخریب جایگاه خداست و این کار را کسی مانند «والش» به راحتی انجام می‌دهد. والش سعی دارد القا کند که «خداوند انرژی است، انرژی خالص و خام که تو حیات می‌نامی با این آگاهی ما به حقیقتی تازه می‌رسیم؛ خداوند یک فرایند است من [خدا] فرایندی هستم که توسط آن آفرینش خلق شده.»

نتیجه این پندار نسبت به خدا این است که این خدا مخلوق اندیشه آدمی است نه انسان، مخلوق خدا. والش تیر خلاصش را به مفهوم خدا در مناجاتش با خدا و مباحثی که میان او و خدا در این گفت‌وگو رد و بدل شده می‌زند؛ «می‌دانی هر فکری درباره من داشته باشی مرا همانگونه خواهی دید. هزاران سال است بشر براساس افکاری که از من داشته است مرا دیده است. این بزرگ‌ترین راز در مورد خداوند است. من آنگونه که تو مرا می‌پنداری بر تو ظاهر خواهم شد. خداوند همانی است که تو می‌پنداری.»

گام بعد از وحدت بخشیدن به آموزه‌های ادیان در راستای منافع، تبلیغ و ترویج پلورالیسم و باورمندسازی جامعه مریدان به مسئله تکثرگرایی است. یکی از افرادی که در این زمینه داد سخن برآورده دالایی لاما است.

وی می‌گوید: «پنج میلیارد انسان روی کره خاکی زندگی می‌کنند و من معتقدم ما به پنج میلیارد دین مختلف نیاز داریم. به اعتقاد من هراسانی باید از یک مسیر معنوی عبور کند که برای او و در نسبت با باورهایش، بهترین باشد. پس تنوع آدم‌ها، تنوع ادیان را ضروری می‌کند.» جدا از اینکه این حرف تیشه به ریشه خود و باور این حرف می‌زند که اگر این حرف درست باشد حتی نباید همین حرف را قبول کرد زیرا ما موظفیم فقط به باور خود عمل کنیم، پذیرش این کلام برای کسانی که تا این حد هوشمندانه به مسئله نگاه نمی‌کنند بیان نکاتی از سوی کسانی که از سوی جهان سلطه و رسانه‌های جهانی به‌عنوان اهل خرد معرفی می‌شوند راه را برای جبهه‌گیری با ادیان اصولی و ارزشی که به نوعی بار تکلیف را برعهده سالک می‌گذارد تا او را برای رشد و کمال آماده کند باز می‌کند.

قدم دیگر تخریب پایه و اساس ادیان و تیره و سیاه‌نمایی مذهبی است که ریشه توحیدی دارند و از جانب خداوند نازل شده‌اند. چنین کار بزرگی نیاز به هنرمندانی چون اوشو دارد که بگویند: «همه مذاهب بر پایه دستاویزی ساختگی بنا شده‌اند. همه شیوه‌ها دروغین‌اند... می‌توان دستاویزهای تازه‌ای به بار آورده و دین‌های تازه‌ای پدید آورد. دستاویزهای کهنه فرسوده می‌شوند.

دروغ‌های کهنه از رنگ‌بو می‌افتند و به دروغ‌های نوتری نیاز خواهد بود.» وقتی خوشی و لذت، هدف غایی و نهایی وجود آدمی شد تنها یک چیز می‌تواند او را آرام کند آن هم کامجویی و لذت‌طلبی. در این منطق کامجویی بی‌حد و حصر و از هر طریق ممکن، نه تنها نکوهیده نیست بلکه به‌خاطر اینکه گامی است برای رسیدن به بهره‌مندی و لذت، ارزش هم می‌یابد. تنها عاملی که جلوی دست و پای فرد را می‌گیرد احساس گناه و مسئله عذاب وجدان است. اینجاست که افراد و جریان‌های دیگری دست به کار می‌شوند تا این سد مستحکمی که در مقابل هجمه تمام عیار فرهنگی ایستاده درهم بشکنند. زیرا اگر این سد و نیروی مقاوم درونی به‌طور کامل خرد نشود، فرد کامجو بعد از پشت سر گذاردن تمامی خط قرمزها و زیرپا نهادن تمامی اصول وقتی پای محاکمه وجدان می‌نشیند هرگز به‌خود حق نمی‌دهد که به هر دلیل و قیمتی فقط در پی لذات و منافع خود باشد. اینجاست که تمام زحمات جریان نفاق نقش برآب خواهد شد و حربه‌های بعدی کشتی برای راهجو نخواهد داشت.

بعد از نسبی‌شدن ساحت دین و کاهش ضریب حساسیت نسبت به مقدسات و جایگاه بندگی و اطاعت در برابر خداوند، اوشو وظیفه از میان برداشتن مسئله عذاب وجدان و راحت کردن مردم در مقابله با احساس گناه در پیشگاه این دادگاه درونی را بر عهده می‌گیرد و «گناه» را ساخته و پرداخته روحانیون و طبقه مروج هر مذهب و آیینی به‌منظور تسلط برتوده‌ها می‌داند. انسان معیاری که او به‌عنوان الگو برای بشریت معرفی می‌کند به قول خودش بودای زوربا است. بودای متعالی در آیین شرقی در نگاه وی هنگامی متعالی است که مانند زوربای یونانی به شهوات مایل و غرق در شهوت‌رانی باشد.

اینها تنها بخشی از شکل مدل پلکانی عملکرد عرفان‌های بدلی آن‌هم به‌عنوان نمونه‌ای از ده‌ها هزار سخن به ظاهر زیبا و فریبنده است که دل و ذهن خالی و عطشناک فرزندان من و شما را نشانه گرفته‌اند. دقت کنید اگر این هم‌افزایی که لحظه به لحظه بر میزان و دقت هم‌راستایی آن افزوده می‌شود در میان افشاری که کمتر بار دینی دارند و کم یا ناآشنا به معارف ناب اسلامی هستند اوج بگیرد چه بلایی بر سر این جامعه از مخاطبان خواهد آورد؟! طبیعی است که خدای چنین افرادی خدای درونی باشد و خط قرمز ارزش‌هایش زیرسؤال رفتن لذت‌های نامشروع وی. اینجاست که رو به بهشت زمینی در برابر بهشت مخلوق خدا می‌آورد و با تکیه بر یافته‌های بشری این دستاوردها را برتر از بهشت خدا می‌داند.

3 - رابطه مستقیم

برای مسئولینی که در فضای پاسخگویی به شبهات هم‌روزه با سؤال‌های گوناگون دست به گریبان هستند پوشیده نیست که گرچه سؤال‌های مربوط به فعالیت تمامی جریان‌ها و فضاهای فعالیتی آنها همواره در سبد سؤال‌های ثابت به‌چشم می‌خورد اما به فراخور میزان فعالیت، شکل عملکرد و گستره فضای آسیب، فراوانی سؤال‌ها نیز متغیر و کفه به سوی شبه عرفانی است که بتواند در فضای روز جامعه موج ایجاد کند و به اصطلاح در موج سواری گوی سبقت را از دیگر رقبا برآید. در این میان نقش رسانه‌های جمعی مانند صدا و سیما، سینما، اینترنت و نشریات ادواری به‌شدت برجسته است. معمولاً به جز فضای سایر موارد دیگر در بیشتر موارد ناآگاهانه به این مسائل دامن می‌زنند، اما فضای مجازی که هنوز انسجام خاصی در کشور ما ندارد بسیار لجام‌گسیخته و بی‌مهابا در نشر آموزه‌های این جریان‌ها نقش پررنگی دارد. شاید بتوان گفت جریانی که این رسانه مجازی و دو سویه را خوب شناخته باشد و بتواند نبض آن را داشته باشد تا حدود زیادی می‌تواند مدیریت امیال اجتماعی را در دست بگیرد. به همین مناسبت نیاز است مسئولین ذی‌ربط و عوامل دست‌اندرکار پاسخگو نیز فکری برای تسخیر این جهان مجازی بکنند.

4 - راه پیش رو

برای پاسخگویی به شبهات دینی و سؤال‌هایی که در ذهن و دل جوان‌های این مرز و بوم لانه کرده، شیوه‌های رایجی برای پاسخگویی وجود دارد که در کنار خوب بودن، کافی و در همه زمینه‌ها کارآمد نیست. نیاز به شکل‌های جدیدی برای پاسخ احساس می‌شود که شیوه پاسخ را از حالت تدافعی به شکل هجومی تغییر دهد. این هجمه در دنیای امروز به شکلی رایج و گسترده از سوی رسانه‌های جهان سلطه علیه دین مبین اسلام به خدمت گرفته شده و اگر قالبی ناکارآمد بود با بازخورد گیری‌های روزمره‌ای که هم‌روزه از سوی سردمداران زر و زور صورت می‌گیرد به‌طور قطع و یقین جای خود را به شکل دیگری می‌داد. این قالب از هجمه نرم که قالب اصلی شکل کار شبه‌عرفان‌های وارداتی و نوظهوری است که در کشور به‌ویژه در دهه‌های اخیر فعال‌تر شده‌اند می‌تواند در پاسخ به شبهاتی که به‌صورت سیستمی و فراگیر در جامعه پخش می‌شوند به خدمت گمارده شود. نیک می‌دانیم که دفاع ضعیف از دفاع نکردن بدتر است و استفاده از شیوه‌های فرسوده و ناکارآمد در پاسخگویی به شبهاتی که به‌صورت روزمره و در قالب‌هایی بسیار شیک، مدرن و جذاب ارائه می‌شوند جدا از اینکه نمی‌تواند در مسابقه نابرابر میان شبهه و پاسخ تاب و توان ایستادگی را داشته باشد، خیانتی بزرگ به دینی است که به‌روز بودن، زیبایی و کارآمدی جزو لاینفک آن است.

در شیوه جدید علاوه بر عرضه زیبایی‌های دین در مقابل شبهات، به جای گرفتن گارد دفاعی، هجمه را به بنیان شبهه آغاز می‌کنیم و با روشنگری روندی که دارد اتفاق می‌افتد و با از بین بردن اساس شبهه، راه ورود شبهات دیگر از این‌دست را ناهموار می‌کنیم. نمونه کوچکی از این شیوه در روش پلکانی ایجاد شبهه عرضه شد. تنها می‌ماند عرضه معارف ناب که این کار به‌عهده دین‌شناسان خبره‌ای

است که عمری را در این راه نهاده‌اند و باید دستان را در این مسیر بگیرند.

راه پیش رو نه فقط مسیر نقد و تحلیل علمی فرق نوکیسه‌ای است که تازه به تازه از راه می‌رسند، بلکه مسیر روشنگری و بینش بخشی به کمک تخریب پایه‌های شبهات و ارائه گنجینه انبوه معارف اسلامی در قالب‌های نوین و زیبا ست.